



تصویرگر نقطه و خط:

دکتر مهدی بهزاد؛ پدر گراف ایران

● رضا حیدری قزلجه، استادیار دانشگاه فرهنگیان تهران ● تصویرگر: سام سلماسی
 ◀ برای دیدن پاسخ معما با دو روش متفاوت رمزینه‌ها را اسکن کنید.

① **مهدی بهزاد**، دوم اردیبهشت سال ۱۳۱۵ در یزد به دنیا آمد. در پنج سالگی برای فراگیری قرآن به مکتب‌خانه سپرده شد. برای خانواده‌اش پذیرفتنی نبود که بدون تمام کردن آموزش قرآن به مدرسه برود. یک سال شروع دوره دبستان را به تأخیر انداخت تا قبل از مدرسه، قرآن را تا آخر آن، یعنی پایان جزء ۳۰، بیاموزد. در آن سال‌ها معمول بود که بچه‌ها پس از دبستان و گرفتن تصدیق کلاس ششم به دنبال شغل پدر می‌رفتند. مهدی هم دوره‌های خیاطی و مسگری را در تابستان‌های گرم یزد گذراند. بعضی تابستان‌ها هم همراه پدرش به دادگستری می‌رفت. چون دستگاه فتوکپی نبود، احکام قضایی را برای مردم رونوشت می‌کرد و به ازای هر کدام، پنج ریال مزد می‌گرفت.



② دیپلم ریاضی را سال ۱۳۳۵ در زادگاه خود گرفت. در همان سال با قبولی در رشته «الکترومکانیک» به دانشگاه تهران راه یافت. پس از گذشت چند ماه احساس کرد برای کارهای فنی مناسب نیست و علاقه‌ای به رشته‌های مهندسی ندارد. او جای خود را در کلاس درس و حرفه معلمی خالی می‌دید. بنابراین یکی از بزرگ‌ترین تصمیم‌های زندگی‌اش را گرفت؛ از ادامه تحصیل در این رشته انصراف داد و سال بعد با شرکت در کنکور دانش‌سرای عالی (دانشگاه خوارزمی فعلی) تهران، به عنوان دانشجوی رشته ریاضی وارد این دانشگاه شد. در آنجا ماهانه ۱۵۰ تومان حقوق می‌گرفت. مهدی در مدرسه و دانشگاه همیشه شاگرد اول بود و در برخی موارد فاصله معدلش با نفر بعدی بیش از سه نمره می‌شد. سال ۱۳۳۹ با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه کارشناسی شد و برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت.



③ تحصیلاتش در دانشگاه ایالتی میشیگان از مهر ۱۳۴۰ شروع شد. از همان ابتدا به بازگشت به کشور فکر می‌کرد. مدرک کارشناسی ارشد ریاضی در زمینه گراف را سال ۱۳۴۲ و دکتری خود را در سال ۱۳۴۴ دریافت کرد. درست در روز بعد از دفاع دکترا، پذیرش مربوط به درخواست استخدامی که قبلاً برای دانشگاهی فرستاده بود، به دستش رسید. همکاری‌اش گری به او گفت: «تو امروز دکتر شدی و فردا استاد!». پس از یک سال تدریس و تحقیق در آن دانشگاه، در سال ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و به دانشگاه شیراز رفت. او نخستین بار در ایران مبحث نظریه گراف را به دانشجویان دوره کارشناسی ارشد ریاضی معرفی کرد. استاد از اینکه در حال حاضر این مبحث بخشی از برنامه درسی دانش‌آموزان سال آخر متوسطه است، اظهار خرسندی می‌کند.

④ خدمات و افتخارات دکتر بهزاد پرشمار است؛ از جمله عضویت در هیئت مؤسس «فرهنگستان علوم ایران»، عضویت در هیئت مؤسسان «انجمن ریاضی ایران»، عضویت در گروه مؤلفان کتاب درسی ریاضیات گسسته دوره پیش‌دانشگاهی در دهه ۱۳۷۰، پایه‌گذاری مجله «نشر ریاضی»، مشارکت در انتشار «واژه‌نامه ریاضی» توسط انجمن ریاضی ایران، عضویت در هیئت تحریریه مجله «گراف تئوری» چاپ آمریکا، برگزیده انجمن ریاضی ایران در سال‌های متفاوت،

استاد نمونه «دانشگاه شهید بهشتی»، عضو افتخاری «انستیتو ترکیبیات و کاربردها»، عضویت در هیئت مؤسس «انجمن ترویج علم ایران»، عضویت در هیئت مؤسس «بنیاد پیشبرد علم و فناوری در ایران»، برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، چاپ حدود چهل مقاله تخصصی در مجله‌های معتبر ریاضی و ...
 دکتر بهزاد به قدری در نوشتن مقاله فعال بود که یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد او در دانشگاه شیراز به شکل طنز شعر زیر را برایش سروده بود: شنیدم که بهزاد خوش سرنوشت به تعداد موهایش پیپر (مقاله) نوشت



۵ دکتر بهزاد برگزیده سومین دوره «چهره‌های ماندگار» کشور است. در مراسم اعطای جایزه گفت: «لوح تقدیر این مراسم را با افتخار می‌پذیرم، اما جایزه آن را با هدف پیشبرد علم ریاضی به انجمن ریاضی ایران هدیه می‌دهم.» جایزه آن مراسم یک دستگاه خودروی «سمند» بود. پول فروش این خودرو به حساب «جایزه بهزاد» واریز شد که سال‌ها قبل در انجمن ریاضی ایران تعریف شده بود. ایشان همچنین، ۱۰۰ میلیون تومان «جایزه علامه طباطبایی» بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۰ را برای بچه‌های روستاهای محروم و شهرهای دورافتاده هزینه کرد.

تألیف نمایشنامه‌ای به نام «افسانه پادشاه و ریاضی‌دان» که آرم «کمیسون ملی یونسکو» را بر خود دارد، یکی دیگر از کارهای خلاقانه دکتر بهزاد است. در این اثر سعی شده است با آوردن مفاهیم ریاضی و معماهای فراوان، ذهن خواننده یا بیننده به چالش کشیده شود. یکی از معماهایی که در این نمایشنامه آمده، «معمای سه گاف» است که در بند ۹ این متن می‌توانید شرح آن را ببینید. این کتاب به چند زبان خارجی از جمله انگلیسی، ایتالیایی و آلمانی ترجمه شده است.



۶ در شاخه‌های متفاوت ریاضی، گاهی ریاضی‌دانان بزرگ حدسی را مطرح می‌کنند و ریاضی‌دانان دیگر را به چالش دعوت می‌کنند که آن حدس را اثبات یا رد کنند. بیش از نیم‌قرن پیش، دکتر بهزاد حدس خود را در علم گراف، موسوم به «انگاره عدد رنگی کلی گراف»، عرضه داشت. دکتر بهزاد یک بار در «دانشگاه کمبریج» انگلستان سخنرانی داشت. وقتی **اردوش**، ریاضی‌دان بزرگ معاصر، «انگاره بهزاد» را شنید، با صدایی بلند از آخر سالن فریاد زد: «این حدسی است که در این قرن اثبات نخواهد شد.» با وجود تلاش برترین ریاضی‌دانان جهان در طول ۵۵ سال گذشته و چاپ و نشر صدها مقاله، این حدس همچنان بی‌پاسخ مانده است.

۷ مهدی بهزاد معلمی به تمام معناست؛ پرحوصله و دقیق، بسیار باانگیزه و آماده و مشتاق برای جواب دادن به تمام سؤال‌های ریزودرشت. البته ایشان معلمی را افتخار زندگی خود می‌داند. چرا که معتقد است معلم خواهان رشد و شکوفایی همه انسان‌هاست. در واقع، ایشان یکی از پیشگامان نظریه گراف و از نظریه‌پردازان جهانی این شاخه از ریاضی است. این دانشمند تأثیرگذار بر جریان علمی کشور، مردی منضبط، جدی و در عین حال صمیمی و دوست‌داشتنی است. ایشان تنها ایرانی مقیم کشور، با «عدد اردوش ۱» به مناسبت داشتن مقاله مشترک با پال اردوش، ریاضی‌دان شهر مجارستانی است.

از بهزاد دو کتاب در زمینه گراف به زبان انگلیسی منتشر شده است که سال‌ها منبع درسی دانشگاه‌های دنیا بوده‌اند. او در دانشگاه‌های شهید بهشتی تهران، صنعتی شریف، میشیگان، ایالتی میشیگان تدریس کرده و اولین استاد تمام دانشگاه صنعتی شریف است.

۸ بهزاد علاقه‌اش به علم ریاضی را مدیون پدر می‌داند که در کودکی و حتی پیش از دبستان، برایش معما می‌گفت و او را به حل آن‌ها ترغیب و تشویق می‌کرد. دکتر بهزاد بیان می‌کند معماهایی مانند سه‌گاف در شکل‌گیری شخصیت ایشان و انتخاب رشته ریاضی برای ادامه تحصیل، تأثیر چشم‌گیری داشته است. استاد عقیده دارد، اهمیت ریاضیات در این است که ذهن را شفاف می‌کند و قدرت خلاقیت را بالا می‌برد. چاپ تمبر یادبود با تصویر دکتر مهدی بهزاد و نام‌گذاری خیابانی عریض و کوچه‌هایش در شهر یزد به نام دکتر بهزاد، گامی در راستای بزرگداشت این چهره ماندگار است. طول عمر باعزت و برکت برای ایشان آرزومندیم.

۹ **معمای سه گاف:** قایقرانی در ساحل رودخانه زندگی می‌کرد. او گرگ، گوسفند و گیاهی داشت و دو حیوان را طوری تربیت کرده بود که در حضور او به طعمه مورد علاقه خود لطمه نمی‌زدند. روزی قایقران تصمیم می‌گیرد اموال خود، یعنی هر سه گاف را سالم به طرف دیگر رودخانه ببرد. اما قایق او کوچک بود و به‌جز قایقران فقط برای یک موجود (گاف) جا داشت. راه چاره چیست؟ اگر گرگ را اول ببرد، گوسفند گیاه را می‌خورد. اگر گیاه را اول ببرد، گرگ گوسفند را می‌خورد. قایقران چگونه می‌تواند با کمترین تعداد رفت‌وبرگشت، هر سه گاف را سالم به طرف دیگر رودخانه برساند؟



با اسکن رمزبینه می‌توانید گفت‌وگوی شبکه اول سیما با دکتر بهزاد را مشاهده کنید:

منبع اصلی: شاهرزایی، محسن (۱۴۰۰). بهزاد. نشر دیبایه. تهران.

